

(1) عرضه داشت

(2) بنده کترین بندکان شیخ درسون

مراکافی

(3) بعز عرض امیر اعظم اعدل اکرم

(4) مقرب سلطان العرب و العجم بعد از

پابوسی سلطانی به عرض آن حضرت الاعلی

(5) باشد که امیرزاده اعظم ولد سلطان

جهان شاه که شما بحضرت پادشاه (6) اسلام

سلطان العرب و العجم سلطان بنایزید

فرستاده بودید اورا هیچ کس التفات نکرد

(7) غیر ازین بنده که اورا شناختم و کفتم

که سلطان علی امیرزا آنست ولد سلطان

(8) جهان شاه و این سخنرا که من کفتم

و ولایت خودرا ترک کردم و ملک و املاک

خود (9) را و چهار برادر خودرا درگذشتم

و من دیگر آن ولایت نمی توانم رفتن

(10) آنزمان که امیرزا جهان شاه مرده

است هیچ کسرا خدمت نه کرده ام و

چشم به درگاه خدای (11) تعالی داشته

بودم که چراغ ما از کجا بتابد شکر خدارا

که امیرزاده ما بخدمت شما رسید (12) و دیگر

عیار خالص یک کوهر شناخت خاص شد

و من معدن کوهر (13) شناختم حاشا از

کرم شما مارا بی (14) امید بکویند

. . . . . می دارم

عنایت از شماست

(1) عرضه داشت

(2) بنده کترین بندکان شیخ درسون

مراکافی

(3) بعزز عرض امیر اعظم اعدل اکرم

(4) مقرب سلطان العرب و العجم بعد از

پاء بوس سلطانی به عرضی ان حضرتو ال

اعلی (5) باشد که امیرزاده اعظم ولدی

سلطان جهان شاه کی شما بحضرتی پادشاهی

(6) اسلام سلطانی عربی و العجم سلطان

بیازید فرستاده بودید ارا هیچ کس التفات

نه کرد (7) غیر ازین بنده که اورا شناختم

و کفتم که سلطان علی امیرزا آنست ولدی

سلطان (8) جهان شاه و این سخون را که

من کفتم و ویلایتی خودرا ترک کردم و ملکو

ام لاک خود (9) را و چهار بورادری خودر

درکوزشدم و من دیگر ان ولایت نه متوانم

رفدن (10) انزمان که امیرزا جهان شاه مرده

است هیچ کس خیتمت نه کرده ام و چشم

به درگاهی خدا (11) خدای تعلا داشته

بودم که چراغی ما از کیجا بوتابت شکر

خدارا که امیرزاده ما بخدمتی شما رسیت

(12) و دیگر ایاب خالیس یک کوهر شناخت

خاص شد و من معدنی کوهر (13) شناختم

حاشا از کرمی شما مارابی (14) امد بوکوینت

. . . . . می دا

رم عنایت از شماست<sup>1</sup>